

از تلویزیون تا کوچه‌های ناامن

اگر از تنبلی و بی حوصلگی کودکان کلافه شده‌اید، با اتهامات وارده به متهمان اصلی این پرونده و دفاعیات آن‌ها آشنا شوید.



اگر از تنبلی و بی حوصلگی کودکان کلافه شده‌اید، با اتهامات وارده به متهمان اصلی این پرونده و دفاعیات آن‌ها آشنا شوید.

به گزارش پایگاه خبری تیک (Tik.ir)؛ بسیاری از ما در خانه حداقل یکی از بچه‌های دهه هشتاد، نودی را داریم که فکر می‌کنیم در تنبلی نظیر ندارند و وقتی با دوران کودکی خودمان مقایسه‌شان می‌کنیم، تفاوتی از زمین تا آسمان می‌بینیم. مشکل کجاست؟ چرا ما در کودکی پر از جنب و جوش بودیم و به قول معروف می‌خواستیم از دیوار راست بالا برویم، ولی بعضی از بچه‌های امروز گاهی حوصله غذا خوردن هم ندارند و تا هفت، هشت بار صدای شان نکنی حاضر نیستند سر میز غذا بیایند؟ صبح‌ها باید با کلی ناز و نوازش از تخت بلندشان کنیم و تا سرویس بهداشتی همراه‌شان باشیم که مبادا از شدت خواب‌آلودگی در خروج از خانه را با در دستشویی اشتباه بگیرند!

کجای کار ما به عنوان پدر و مادر می‌لنگد؟ اصلاً مشکل از ماست یا دوره و زمانه سازش با تنبلی کودک شده و به ما ربطی ندارد؟ بسیاری از والدین هر روز این‌ها را از خود می‌پرسند و جواب درستی پیدا نمی‌کنند. بیشتر بچه‌ها با اضافه‌وزنی که ناشی از کم‌تحرکی است در خانه نشسته‌اند و ترجیح می‌دهند عوض بازی‌های پرتحرک، با انواع و اقسام بازی‌های رایانه‌ای وقت بگذرانند.

آیا واقعاً متهمان اصلی تنبلی کودکان ما فناوری‌های جدید و بازی‌های رایانه‌ای هستند؟ بازی‌هایی که روزبه روز بر تعداد و تنوع‌شان افزوده می‌شود و دیگر حد و مرزی ندارند. نقش ما به عنوان والدین کجای این قضیه است؟ برای پیدا کردن متهمان و خواندن دفاعیه آن‌ها با ما همراه شوید و دلایل هرکدام را بخوانید. در نهایت تصمیم با شماست که کدام یک متهم ردیف اول خواهد بود و کدام تقصیر و تأثیر کمتری در تنبل شدن فرزندان مان دارد.

متهم ردیف اول: فناوری

اتهام: مشغول کردن بچه‌ها و تنبل کردن آن‌ها.

این روزها تبلت‌ها با اندازه‌های متفاوت مثل نقل و نبات دست بچه‌های دو، سه ساله به بالاست. تبلت‌هایی که پر از بازی‌های مختلف است و هر روز هم بر تعدادشان افزوده می‌شود. فقط کافی است چند دقیقه‌ای به مکالمه دو کودک هفت، هشت ساله گوش دهید تا از تعجب انگشت به دهان بمانید.

کودک اول: «این بازی رو از گوگل پلی دانلود کردم خیلی باحاله».

کودک دوم: «جدی؟ واسه منم شیر ایت کن. آنلاین هم می‌شه بازی کرد؟»

کودک اول: «آره. اتفاقاً نظراتش رو هم خوندم همه مثبت بود. خودم هم نظر مثبت دادم خیلی خوشم اومد. راستی ایمیلت چی بود؟»

این فقط یکی از وسایل ساده بازی بود. در مراحل پیشرفته‌تر به ایکس باکس و پلی استیشن می‌رسیم. از نظر بعضی خانواده‌ها کنسول‌های پیشرفته، اتفاق خوبی برای بچه‌هاست، چون با امکاناتی که دارد کودک مجبور می‌شود از اعضای بدنش کار بکشد و حرکات حقیقی را در فضای مجازی انجام دهد و همچنین حین بازی چند تا مشت و لگد حواله زمین و آسمان کند و کمی تحرک داشته باشد.

ولی باز هم از دنیای حقیقی دور است. این‌ها همه مشکلاتی است که فناوری با خودش به همراه آورده است. بماند که همه امکان خرید کینکت برای بازی‌های حرکتی را ندارند یا اگر داشته باشند هم با استقبال بچه‌ها مواجه نمی‌شوند.

شود.

دفاعیه متهم: اگر شما و بچه های تان طرز استفاده صحیح از فناوری و تکنولوژی را بلد نیستید تقصیر ما چیست؟ باز می رسیم به همان مثال معروف و تکراری که چاقو هم می تواند مفید باشد و هم مضر. مهم این است که چه کسی و چگونه از آن استفاده کند.

اصلاً می دانید اگر ما نبودیم چه مشکلات فراوانی داشتید؟ چگونه می خواستید به راحتی از کارت بانکی خودتان استفاده کنید و همین طور که یک پای تان را روی آن یکی گذاشته اید اینترنتی پول جابه جا و قبض پرداخت کنید؟

راحت ترین کار انداختن توپ در زمین ماست. بهتر است جای مقصر دانستن فناوری، بروید خودتان و اعضای خانواده تان فرهنگ استفاده درست از ما را بیاموزید.

متهم ردیف دوم: تلویزیون

اتهام: پخش کارتون های مختلف و متنوع از صبح تا شب در کانال های مختلف.

این روز ها غیر از شبکه ای مختص کودکان که از صبح تا شب انواع کارتون ها و برنامه ها را برای بچه ها پخش می کند، بعضی شبکه های دیگر هم در ساعاتی از روز برنامه های مخصوص کودکان پخش می کنند. یعنی بچه ها در هر ساعت از روز می توانند با روشن کردن تلویزیون و رفتن به شبکه مخصوص خودشان تا ساعت ها پای تلویزیون بنشینند و تکان نخورند.

این اوضاع را مقایسه کنید با دوران ما و زمانی که تلویزیون فقط از دو شبکه تشکیل می شد که یکی از شبکه ها آن هم فقط یک ساعت برنامه کودک پخش می کرد و نصفش صحبت های مجری بود و تذکر به ما برای عقب رفتن و ننشستن نزدیک تلویزیون. در کنار همه این ها تلویزیون های اینترنتی یا همان وی او دی ها هم هستند که تازه ترین محصولات روز دنیا را با دوبله های با کیفیت ارائه می کنند.

دفاعیه متهم: بد کردیم برای بچه ها انواع کارتون ها را پخش کردیم و در هر کدام نکات آموزشی مختلفی را گنجاندیم؟ این برنامه ها که با زبان بچه ها درس زندگی یاد می دهد بهتر است یا کارتون هایی که قدیم می دیدید و تا اشک تان در نمی آمد و یک دل سیر برای هاچ زنبور عسل، پرین و کوزت گریه نمی کردید آرام نمی شدید؟ ب

نامه های من از صبح تا شب مخصوص گروه های مختلف سنی کودکان است. این که شما نظارت نمی کنید و بچه را رها می کنید پای تلویزیون، به من چه ربطی دارد؟ شما می توانید فقط به کودک تان اجازه دهید یک ساعت از برنامه ها استفاده کند و بعد من را خاموش کنید.

متهم ردیف سوم: خانواده

اتهام: وقت نگذاشتن کافی برای بچه ها و به بهانه مشغله های کاری آن ها را تنها گذاشتن.

پدر و مادری که از صبح تا بعدازظهر و گاهی شب مشغول کار بیرون از خانه هستند و وقتی می رسند هم دیگر حالی برای وقت گذراندن با کودکان ندارند، نمی توانند نظارت درستی بر فعالیت بچه ها داشته و مراقب کم تحرکی آن ها و مشغول شدن شان با انواع بازی ها و تلویزیون باشند.

برای والدین راحت ترین کار این است که بچه ها سرگرم تبلت و تلویزیون باشند تا آن ها بتوانند به کارشان برسند.

دفاعیه متهم: فکر می کنید ما بدمان می آید با بچه های مان وقت بگذرانیم، با آن ها پارک برویم و بازی کنیم؟ ما هم دوست داریم تفریح کنیم، با بچه ها قدم بزنیم و عوض نشستن پشت میز کار و فرمان خودرو، با خانواده وقت بگذرانیم.

ولی مگر می شود؟ چگونه باید از پس مخارج زندگی و قسط و قرض ها برآیم؟ چگونه باید برای بچه ها کفش و کیف و لباس تهیه کنیم؟ ما برای راحتی و آسایش آن ها از صبح کله سحر تا شب می دویم دنبال یک لقمه نان حلال.

تازه شب هم که می رسیم مگر می شود در این خانه های کوچک با دیوار های نازک که عطسه کنی همسایه ات می شنود، با بچه ها بازی کرد؟ فقط باید مراقب باشیم داد همسایه طبقه پایین در نیاید. بهترین راه هم نشستن بچه ها و ورجه و ورجه نکردن آن هاست.

متهم ردیف چهارم: خانه های کوچک

اتهام: کوچک بودن و نداشتن فضای کافی برای تحرک بچه ها.

خانه ها روز به روز از متراژ و ضخامت شان کاسته و بر تعدادشان افزوده می شود. در این واحد های آپارتمانی اگر بچه ها بخواهند هم نمی توانند تحرک داشته باشند و پدر و مادر هم ترجیح می دهند برای این که داد همسایه ها در نیاید، بچه ها گوشه ای بنشینند و مشغول بازی با موبایل یا تبلت باشند. آن قدر دیوار ها نازک هستند که اعصاب طبقه پایینی از افتادن قاشق سرمیز شام طبقه بالایی تحریک می شود و صبح داخل آسانسور حتماً به روی همسایه خودش می آورد و می خواهد از این به بعد بیشتر مراقب قاشقش باشد.

دفاعیه متهم: اولاً مگر ما خواستیم این قدر کوچک و نازک ساخته شویم. ما هم دل مان می خواست مثل پدربزرگ و مادر بزرگ های مان حیاط دار بودیم، یک حوض آب داشتیم و درخت هایی پر از میوه. ولی چه کنیم که دیگر نه پول خرید خانه های حیاط دار توی جیب مردم است و نه زمینی برای ساخت شان مانده. تازه شما مردم باید کلی از ما تشکر کنید که اندازه مان با پول جیب یکی است وگرنه می خواستید چه کنید و کجا دنبال خانه بگردید؟ بی خود تنبلی بچه ها را گردن ما نیندازید. مگر این همه پارک و فضای سبز را از شما گرفته اند؟ بلند شوید دست بچه های تان را بگیرید و بروید پارک. بدوید، فوتبال بازی کنید و کمی چربی بسوزانید.

متهم ردیف پنجم: کوچه های نامن

اتهام: شلوغی بیش از حد و امنیت پایین بعضی از کوچه ها.

در قدیم هر محله و کوچه ای شروع و پایان مشخصی داشت. همسایه ها به خوبی همدیگر را می شناختند و افراد غریبه را از آشنا تشخیص می دادند. بچه ها در این کوچه ها امنیت داشتند و به راحتی می توانستند بازی کنند. دختر ها کنار در خانه ها بساط خاله بازی شان را پهن می کردند و پسر ها مشغول فوتبال و بازی های دیگر می شدند. اما حالا محله ها به حدی شلوغ و پر از واحد های بزرگ آپارتمانی است که به سختی می توان افراد حاضر در یک آپارتمان را شناخت.

همسایه طبقه سوم تا به حال طبقه پنجمی را ندیده و اصلاً نمی داند چند نفر در آن واحد زندگی می کنند. این شرایط باعث شده کوچه ها دیگر محل امنی برای بازی بچه ها نباشند و آن ها ناگزیر در خانه ها محبوس شوند.

دفاعیه متهم: ما خودمان شاکی هستیم. از شما مردم، شما که عین مور و ملخ ریخته اید توی کوچه ها و محله ها و خواب خوش را از ما گرفته اید. قدیم ساعت ۱۰ شب پرنده پر نمی زد. ما هم در آرامش و سکوت می خوابیدیم. حالا، اما شبی نیست که بدون سرو صدای شما بتوانیم چشم روی هم بگذاریم. اصلاً شب و روزتان را با هم قاطی کرده اید.

روز هم که می شود این قدر خودرو و موتور و دوچرخه از محله و کوچه رد می شود که سرسام می گیریم. حالا خودتان بگویید ما مقصر ناامنی هستیم یا شما؟ در ضمن اگر از بزرگ تر ها بپرسید می گویند قدیم هم مشکلاتی مثل نا امنی بچه ها بود، اما مثل الان اخبار دست به دست نمی شد و دل و جگر خانواده ها بیشتر بود. بچه بزرگ روی بازی بچه کوچک تر در کوچه نظارت می کرد و همه مواظب هم بودند.

متهم ردیف ششم: فضا و برنامه آموزشی برخی مدارس

اتهام: حیاط های کوچک، بی توجهی به زنگ ورزش و پر کردن وقت های خالی دانش آموزان با کارتون یا کلاس جبرانی!

قبلاً اگر معلم دیر می رسید یا مشکلی داشت بچه های کلاس به حیاط راهنمایی می شدند تا بازی کنند. الان حتی یک کلاس هم برای زنگ تفریح داخل حیاط مدرسه ها به خصوص غیرانتفاعی ها جا نمی شود؛ چه رسد به چند کلاس. بعضی مدارس در ساعت های بیکاری و زنگ هایی که بچه ها گاهی معلم ندارند یا درس معلم تمام شده، کلاس درس

را تبدیل به یک سینمای کوچک می کنند و با دستگاه ویدئو پروژکتور که مخصوص تدریس است، برای بچه ها کارتون پخش می کنند. بله این راحت ترین کار برای آرام نگه داشتن دانش آموزان است و دیگر نیازی به داد و بیداد و مراقبت از آن ها نیست، ولی آیا این راه درستی برای پرکردن وقت آن هاست؟

دفاعیه متهم: شما که نمی دانید این بچه ها چه آتشی می سوزانند وقتی توی حیاط می دوند و جیغ و داد می کنند. ناظم ها مدام باید حواس شان به دانش آموزان باشد تا بلاپی سر خودشان نیاورند. شما بودید کدام را ترجیح می دادید، آرام نشستن بچه ها سرکلاس و سلامت ماندن آن ها یا جیغ و داد کردن و دویدن و خدای نکرده زمین خوردن شان؟ تازه این والدین هستند که از ما می خواهند زنگ ورزش کلاس جبرانی ریاضی بگذاریم، تقصیر ما چیه؟

حالا چه کنیم؟

با خواندن دفاعیه متهمان و اتهامات شان، این سؤال پیش می آید که با وجود همه این مشکلات، راه حل قضیه کجاست؟ آیا باید تنبلی بچه ها را گردن شرایط زندگی بیندازیم و دیگر هیچ تلاشی برای بهبود اوضاع نکنیم؟ شاید باید راه حل مشکل را در خودمان بیابیم. ما چقدر در زندگی روزمره تحرک داریم؟ از ساده ترین کار، مثل بالارفتن از پله به جای آسانسور بگیرد تا پیاده روی و انجام ورزش های صبحگاهی. چه مقدار از زمان ما در یک شبانه روز صرف گشت و گذار در صفحات مجازی می شود؟

کودکان از ما می آموزند. نمی توان از کودکی انتظار داشت پی بازی رایانه ای نرود وقتی خودمان سرمان مدام توی گوشی موبایل است. در خانه، در محل کار، توی مترو و اتوبوس، هر جا که فرصتی پیدا کنیم سریع گوشی موبایل مان را برمی داریم و مشغول گشتن در فضای مجازی می شویم.

شاید وقتش شده باشد تا تغییر را از خودمان شروع کنیم. فضای مجازی را کنار بگذاریم و با کودکان مان وقت بیشتری را بگذرانیم. با آن ها بازی کنیم، پارک برویم و حتی می توانیم یک پیاده روی ساده خانوادگی ترتیب بدهیم و در راه با فرزندان مان حرف بزنیم. منع کردن کودک از بازی های رایانه ای و مجازی راه حل مشکل نیست بلکه فقط بچه ها را بیشتر تشنه به دست آوردن آن ها می کند.

این بچه ها تا بزرگ سالی در آرزوی بازی های رایانه ای می مانند و بالاخره در سن وسالی که اصلاً مناسب نیست، پی آن می روند. پس بهتر است با مدیریت و نظارت و فرهنگ سازی عطش شان به بازی های رایانه ای در کودکی رفع شود و از طرفی بهترین راه این است فضای حقیقی را برای آن ها آن قدر جذاب کنیم که خودشان بودن در کنار ما و بازی با خانواده را به نشستن در یک گوشه ترجیح بدهند.

شاید بد نباشد اگر ساکنان آپارتمان ها هم کمی آستانه تحمل شان را بالا ببرند و در ساعاتی که زمان استراحت و خوابیدن نیست به سروصدای بچه های همسایه اعتراض نکنند.

حتی چند خانواده با هماهنگی و همکاری روی بازی بچه ها در کوچه یا محوطه مجتمع های مسکونی نظارت کنند تا بچه ها، محصور در آپارتمان های ۷۰ متری نباشند.

برای داشتن بچه هایی کوشا و پرجنب و جوش باید همگی از پدر و مادر تا همسایه ها و مدارس دست به دست هم دهیم و شرایط را فراهم کنیم.

زندگی ماشینی خودبه خود کم تحرکی و تنبلی را با خودش به همراه می آورد و این ما هستیم که باید تلاش کنیم در این سبک زندگی غرق نشویم و شرایط را برای خودمان و فرزندان مان بهتر کنیم./روزنامه خراسان